

بررسی میزان کارایی ابزارهای موجود در نظام بانکی ایران

جناب آقای دکتر احمد مجتهد

عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی و رئیس

مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی

مقدمه

در ایران، بانک مرکزی بیشتر به عنوان یک بانک ناشر اسکناس شهرت یافته است، در حالی که در سایر کشورها بانک مرکزی وظایف دیگری بر عهده دارند، به ویژه وظیفه حفظ ارزش پول یا سیاستگزاری پولی از شهرت بیشتری برخوردار است. علاوه بر نشر پول، بانک مرکزی وظیفه نظارت بر بانکها و حمایت از آنها را در شرایط بحرانی نیز بعهده دارد. علاوه بر سه وظیفه فوق، بانک مرکزی وظایف دیگری از جمله بانکداری دولت، کارگزاری دولت، نگهداری ذخایر ارزی و مبادلات مالی بین‌المللی را نیز بر عهده دارد.

در طی پنجاه سال گذشته که بانکهای مرکزی در کشورهای مختلف ایجاد شده‌اند، با توجه به شرایط اقتصادی هر کشور وظایف فوق توسط بانکهای مرکزی متناسب با اولویتهای تعیین شده توسط مقامات بانک دنبال گردیده است. مقامات سیاسی و اقتصادی کشورهای توسعه یافته صنعتی امروز در سالهای اولیه پس از جنگ دوم جهانی، از بانکهای مرکزی خود انتظار داشتند که امکانات پولی لازم را برای رشد اقتصادی بیشتر، تسهیل مبادلات بین‌المللی و کسری بودجه دولت فراهم آورد. پس از گذشت دو دهه از پایان جنگ و دوران رشد و توسعه اقتصادی اروپا، بانکهای مرکزی این کشورها که مواجه با فشارهای تورمی اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوائل دهه ۱۹۸۰ گردیدند، تأکید خود را بر استفاده از سیاستهای پولی در جهت مقابله با تورم و تثبیت اقتصادی متمرکز نمودند.

کشورهای در حال توسعه که شرایط متفاوتی را از نظر رشد و توسعه نسبت به کشورهای توسعه یافته دارند، از همان بدو شروع فعالیت بانکهای مرکزی خود، انتظارات خود را از مقامات پولی در جهت تسریع رشد و توسعه اقتصادی متمرکز نمودند و مقامات پولی خود را در جهت تأمین مالی طرحهای دولتی و کمک به پیشبرد اهداف اقتصادی دولت در زمینه

سرمایه‌گذاری‌های زیر بنایی تحت فشار قرار دادند و نقش بانکهای مرکزی به بانکداری دولت محدود گردید.

با توجه با استقلال نسبی بانکهای مرکزی در کشورهای غربی و عدم استقلال کمتر بانکهای مرکزی در کشورهای در حال توسعه، هر یک از بانکهای مرکزی از ابزارهای پولی خاصی برای رسیدن به اهداف مورد نظر استفاده کرده‌اند. در حالی که کشورهای تازه استقلال یافته و مستعمرات سابق کشورهای غربی در ایجاد نهادهای مالی پولی دولتی جدید و افزایش نقش دولت برای توسعه اقتصادی تلاش می‌کردند، کشورهای اروپایی و آمریکایی که در جریان جنگ دوم جهانی نقش دولتها در امور اقتصادی افزایش فوق العاده یافته بود، در صدد کاهش دخالت دولت در امور بودند و سیاستها و ابزارهایی را انتخاب می‌کردند که دخالت بانک مرکزی در بازارهای پولی و مالی به صورت غیر مستقیم و کم‌رنگ باشد.

با تصویب قانون بانکی و پولی کشور، بانک مرکزی ایران در سال ۱۳۳۹^۱ تأسیس گردید که بر اساس مخلوطی از الگوهای بانکهای مرکزی در کشورهای غربی و نقشی بود که مردم به طور سنتی در ایران از دولتها به عنوان ناشر پول انتظار داشتند، در این قانون، تأکید زیادی بر مقررات مربوط به انتشار اسکناس و نظارت بر پشتوانه پول وجود داشت و سیاستهای پولی در درجه دوم اهمیت قرار گرفته بود. قانون پولی و بانکی کشور در سال ۱۳۵۱ نقش بانک مرکزی را در زمینه سیاستهای پولی و نظارت بر بانکها تقویت نموده ولی هنوز نقش بانک مرکزی به عنوان بانک ناشر اسکناس که از کشورهای اروپایی و آمریکایی الگوبرداری شده بود به صراحت وجود دارد ولی به نظر می‌رسد که هنوز بانک مرکزی از نظر قانون‌گذاران اهمیتی در وظیفه آن به عنوان بانک ناشر اسکناس می‌باشد.

در قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب شهریورماه ۱۳۶۲ مجلس شورای اسلامی برای اولین بار در فصل چهارم و مواد ۱۹ و ۲۰ بطور واضح سیاستهای پولی و ابزارهای پولی را برای بانک مرکزی تصویب نموده است. این ابزارها که در راستای اهداف پنجگانه مصوب برای نظام بانکی پیش‌بینی شده است، مسئولیت سنگینی را بر دوش بانک مرکزی و در جهت «تحقق اهداف و سیاستها و برنامه‌های اقتصادی دولت» گذاشته است که در قوانین پولی و بانکی قبلی وجود نداشت. در ادامه این مقاله ضمن بررسی تاریخی قوانین پولی و بانکی، ابزارهای پولی در جهت تحقق اهداف اقتصادی برنامه‌های دولت مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد و

۱ - منوچهر ضیایی، قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۳۹/۳/۷ کمیسیونهای مشترک دارائی و دادگستری مجلسین، در مجموعه قوانین پولی و بانکی و سایر قوانین مربوط از سال ۱۲۸۵ تا ۱۳۷۰، جلد دوم مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، ۱۳۷۱

پیشنهاداتی جهت کارآکردن این ابزارها با توجه به تحولات اقتصاد ملی و بین‌المللی در قرن ۲۱ ارائه خواهد شد.

بخش اول

ابزارهای پولی در قوانین پولی و بانکی مصوب ایران

در قانون اجازه تأسیس بانک ملی ایران مصوب ۱۴ اردیبهشت ۱۳۰۶ مجلس شورای ملی، هدف از تأسیس بانک ملی ایران «پیشرفت امر تجارت و فلاح و زراعت و صنعت» اعلام گردیده است که به اصطلاح امروزی می‌توان آن را «رشد و توسعه اقتصادی» تعبیر نمود. به غیر از فعالیتهای بانکی و پولی تجاری، در زمینه بانکداری مرکزی، در ماده دوازدهم آن تحت عنوان «به کار انداختن و استفاده از وجوه ودایع دولتی» وظیفه خزانهداری دولت به بانک ملی ایران واگذار گردیده بود.

در سال ۱۳۰۹ حق نشر اسکناس از بانک شاهنشاهی ایران خریداری و به بانک ملی ایران واگذار گردید و از این تاریخ به بعد بانک ملی ایران، بانک ناشر اسکناس گردید و از سایر بانکهای تجاری موجود متمایز شد و در حکم بانک مرکزی در آمد.

در سال ۱۳۱۷ به موجب قانونی، منظور از ایجاد بانک ملی «حفظ ارزش پول و تنظیم اعتبارات» دانست. همچنین در فصل چهارم همین قانون وظایف اساسی بانک را شامل:

الف - نشر اسکناس و تنظیم جریان پول طبق قوانین مربوطه

ب - انجام عملیات خزانه دولت و ادارات دولتی و شهرداری دانست و عملیات بانکی مجاز را

برای بانک ملی ایران شامل:

۱- تعیین نرخ ارز و خرید و فروش زر و سیم

۲- خرید و فروش ارزهای خارجی

۳- تنزیل و اتکایی اوراق تجاری

۴- دادن وام و اعتبار

۵- نگاهداری حسابها در خارج از کشور و تحصیل اعتبارات در خارج

در سال ۱۳۳۶، حفظ و موازنه ارزی کشور و نظارت در اجرای قانون ارزی کشور به بانک ملی ایران واگذار گردید. به این ترتیب وظیفه بانک ملی ایران باز هم به عنوان یک بانک مرکزی افزایش یافت و عملاً بدون آن که نام بانک مرکزی به خود بگیرد، وظایف آن را به عهده گرفت در حالی که کماکان به عنوان مهم‌ترین بانک تجاری ایران فعالیت می‌نمود.

با تصویب قانون بانکی و پولی کشور که در ۷ خرداد ۱۳۳۹ به تصویب کمیسیونهای مشترک دارایی و دادگستری مجلس رسید، یک بانک مرکزی مستقل با اهداف و وظایف و ابزارهای پولی مشخص، ایجاد گردید. ایجاد بانک مرکزی ایران بنا به تشویق و ترغیب صندوق بین‌المللی پول بود که در این مورد به دولت ایران مشاوره داد.

هدف از ایجاد بانک مرکزی، «حفظ ارزش پول و تنظیم اعتبارات» عنوان گردید و وظایف متعددی به شرح زیر برای آن در نظر گرفته شد:

الف: خزانه‌داری حسابهای دولتی

ب: انجام کلیه عملیات مربوط به اسناد قرضه دولتی

ج: نمایندگی ایران در مؤسسات مالی بین‌المللی

د: حفظ موازنه ارزی کشور

برای انجام اهداف تعیین شده بانک مرکزی بدون آن که در قانون اسمی از ابزارهای پولی برده شود، تحت عنوان عملیات، بانک مرکزی می‌توانست از ابزارهای ذیل استفاده کند.^۱

۱- تنزیل مجدد بروات و اسناد بازرگانی

۲- خرید و فروش اوراق قرضه دولتی

۳- معاملات طلا و ارز

۴- تعیین نرخ رسمی تنزیل و نرخ بهره و کارمزد معاملات با دولت و سایرین طبق تصویب

شورای پول و اعتبار

هرچند این قانون، ابزارهای مرسوم در بانکهای مرکزی کشورهای صنعتی را در برداشت ولی عملاً به علت عدم توسعه اقتصاد پولی و بازار مالی، استفاده از این ابزارها در جهت پیشبرد اهداف اقتصادی تا یک دهه بعد به تعویق افتاد. با توجه به عدم گسترش نظام بانکی در کل کشور، نبودن ارتباطات قوی بین مراکز شهری، وجود مبادلات تهاتری در اکثر روستاها و بخشی از شهرهای کوچک و نبود بورس اوراق بهادار، امکان اجرای سیاست پولی مؤثر امکان‌پذیر نبود. در این دوران تورم نسبتاً خفیفی در اقتصاد کشور وجود داشت که نیازی به اتخاذ سیاستهای انقباضی پولی و ضدتورمی وجود نداشت.

با انجام موفقیت‌آمیز برنامه سوم توسعه اقتصادی، گسترش بیشتر شهرها و توسعه نظام بانکی در کل کشور، ایجاد بورس اوراق بهادار و حرکت سریع بازار به سمت اقتصاد پولی، نیاز به تجدیدنظر در قانون پولی و بانکی احساس گردید و در سال ۱۳۵۱ در قانون پولی و بانکی کشور

تجدیدنظر شد و قانون جدیدی که با شرایط اقتصادی کشور تطبیق می‌کرد به تصویب مجلسین رسید.

در این قانون، بانک مرکزی «مسئول تنظیم و اجرای سیاست پولی و اعتباری» و هدف بانک مرکزی ایران «حفظ ارزش پول و موازنه پرداختها و تسهیل مبادلات بازرگانی و کمک به رشد اقتصادی است». به این ترتیب بانک مرکزی به صورت مستقل تری نسبت به قانون پولی و بانکی سال ۱۳۳۹ با اختیارات و مسئولیت وسیعی در امور پولی و بانکی به رسمیت شناخته شد.^۱ و ابزارهای پولی مشخصی در اختیار بانک مرکزی قرار گرفت. این ابزارها عبارتند از:

- ۱- تعیین نرخ تنزیل مجدد و بهره وامها
- ۲- تعیین نسبت دارایی‌های آنی بانکها به کلیه دارایی‌ها یا به انواع بدهی‌های آنها برحسب نوع فعالیت بانکها
- ۳- تعیین نسبت و نرخ بهره سپرده قانونی بانک مرکزی ایران
- ۴- تعیین میزان حداقل و حداکثر نرخ بهره و کارمزد دریافتی و پرداختی بانکها
- ۵- تعیین نسبت مجموع سرمایه پرداخت شده و اندوخته بانکها به انواع دارایی
- ۶- تعیین حداکثر نسبی تعهدات ناشی از افتتاح اعتبار اسنادی - ظهرنویس یا ضمانت‌نامه‌های صادره و نوع میزان وثیقه آنها
- ۷- تعیین شرایط معاملات اقساطی
- ۸- تعیین مقررات افتتاح حساب جاری
- ۹- تعیین نوع و میزان جوایز و هرگونه امتیاز دیگری که برای جلب سپرده‌های جاری یا پس‌انداز از طرف بانکها عرضه می‌گردد و نقش ضوابط برای تبلیغات بانکها در این مورد
- ۱۰- محدود کردن بانکها به انجام یک یا چند نوع از فعالیتهای مربوطه به‌طور موقت یا دائم
- ۱۱- تعیین نحوه مصرف وجوه سپرده‌های پس‌انداز و سپرده‌های مشابه نزد بانکها
- ۱۲- تعیین حداکثر مجموع وامها و اعتبارات بانکها به‌طور کلی یا در هر یک از رشته‌های مختلف
- ۱۳- رسیدگی به عملیات و حسابها و اسناد و مدارک بانکها
- ۱۴- تعیین شرایط کلی اخذ وام بانکها از اشخاص و صدور گواهی سپرده
- ۱۵- تعیین مقررات مشروح در بندهای ۱ تا ۱۴ برای مؤسسات اعتباری غیربانکی

بخش دوم

تعریف کارائی ابزارهای پولی بانک مرکزی

به طور کلی منظور از کارائی ابزارهای پولی، رسیدن به ثبات اقتصادی یا حفظ ارزش پول می‌باشد. میزان کارائی، با توجه به حصول به چنین هدفی ارزیابی می‌شود. در اهداف بانک مرکزی اروپا که جدیدترین بانک مرکزی جهان است فقط به حفظ ثبات اقتصادی اشاره شده است و سایر اهداف نقشی ندارند یا بسیار ناچیز هستند. شورای بانک مرکزی اروپا، سطح قیمتها را مشخص کرده است و متعهد شده تا افزایش میان مدت در شاخص هماهنگ شده قیمت‌های مصرف‌کنندگان را در اتحادیه پول در سطح کمتر از ۲ درصد حفظ کند.^۱

در قانون حذف ربا (بهره) از نظام بانکی کشور در سال ۱۳۶۲،^۲ برای اولین بار بطور مشخص از ابزارهای پولی توسط بانک مرکزی برای اجرای سیاستهای پولی نام برده شده است که این ابزارها علاوه بر ابزارهایی است که در قانون پولی و بانکی کشور سال ۱۳۵۱ وجود داشت. بخش عمده این ابزارها را می‌توان ابزارهای کیفی یا خاص دانست که به دخالت مستقیم بانک مرکزی در فعالیتهای بانکی منجر می‌گردد. مثلاً تعیین سود سپرده‌ها و کارمزد و سود عقود اسلامی و تعیین میزان یا سهم سود بانکها در فعالیتهای عقود بانکی، تعیین میزان یا سهم بانکها از هر یک از عقود بانکی و میزان تسهیلات پرداختی به هر فرد حقیقی یا حقوقی.

این ابزارها به طور عملی در طی سالهای گذشته و هم اکنون نیز بکار گرفته می‌شود و نظیر مقررات در نظام بانکی امریکا می‌باشد که در جریان بحران رکودی سالهای ۱۹۳۰ وضع گردید و در سال ۱۹۸۷ ملغی شد. ابزارهای قبلی از جمله نرخ سپرده قانونی، میزان ودیعه ثبت سفارش کالاهای وارداتی نیز تا جایی مورد استفاده قرار گرفت که این ابزارها از حیز انتفاع افتادند و نرخ سپرده قانونی به بالاترین حد ممکن از نظر قانونی یعنی ۳۰ درصد و حق ثبت سفارش به بیش از ۱۰۰ درصد افزایش یافت.

با تعیین سقف اعتباری تسهیلات بانکها که عملاً اختیار آن از بانک مرکزی سلب و به مجلس شورای اسلامی تفویض گردید، ضربه دیگری به استقلال بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران وارد گردید و عدم کارائی سایر ابزارهای پولی را در سالهای گذشته نشان داد. استفاده از قانون مربوط به تبصره‌های تکلیفی نیز بانکها را در استفاده از اعتبارات خود به صورت کارآ دچار مشکل کرد و عملاً ابزارهای پولی بانک مرکزی کند گردید و کارائی آنها به حداقل رسید.

مطالعات انجام شده در سایر کشورها توسط صندوق بین‌المللی پول نشان می‌دهد که هرچقدر ابزارهای پولی بانکهای مرکزی غیر مستقیم‌تر باشد (به صورت کمی باشد) ثبات

۱- اریک استوفرز، استراتژی. ابزار بانک مرکزی در اتحادیه اروپا، گزیده شماره ۱۰، ۱۳۷۹، ص ۵

۲- همان منبع ص ۶

اقتصادی چه در کشورهای توسعه یافته و چه در کشورهای در حال توسعه بیشتر امکان پذیر است، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران که تا سال گذشته تحت تأثیر عواملی چون بی ثباتی درآمدهای ارزی و نامشخص بودن برخی سیاستهای کلان اقتصادی بود، ناگزیر به استفاده از ابزارهای کیفی یا مستقیم بود که با توجه به عدم انضباط مالی، کارآمدی لازم را در پی نداشت و تورمهای شدید سالهای گذشته نشان دهنده عدم کارآمدی ابزارهای پولی می باشد.

با معرفی اوراق مشارکت در سال ۱۳۷۶، بانک مرکزی به ابزارهای پولی غیر مستقیم روی آورده است و توانسته است تا اندازه‌ای بخشی از نقدینگی اضافی را جذب نماید، هرچند که به علت عدم استفاده از بازارهای ثانویه حجم کم آنها و عدم شناخت کافی مردم از این اوراق مشارکت کارایی کافی را از نظر سیاستهای پولی ندارد و فقط ۱/۱۲ درصد از نقدینگی مردم را در سال ۱۳۷۹ جذب کرده است. (جدول شماره ۱)

بورس اوراق بهادار تهران علی‌رغم پیشرفتهایی که در سالهای گذشته نموده است، هنوز تا رسیدن به یک بازار مالی توسعه یافته راه طولانی در پیش دارد. سهم معاملات انجام شده در نقدینگی سال ۷۸ که به بالاترین حد خود یعنی ۳/۷۲ درصد رسید مجدداً در سال ۷۹ به ۱/۶۸ درصد کاهش یافت (به جدول صفحه بعد توجه نمائید).

سهم اوراق مشارکت و معاملات بورس اوراق بهادار در مجموع در سالهای قبل اندک و در سال ۷۵ به حداکثر خود یعنی ۴ درصد رسید که این رقم در سال ۷۹ به ۴/۸۰ افزایش یافت که نشان دهنده اقبال مردم به فعالیتهای رسمی است. در عین حال بانک مرکزی هنوز برای این که بتواند بطور مؤثری سیاستهای پولی خود را به اجرا گذارد لازم است که نقدینگی بیشتری را توسط اوراق مشارکت جذب نماید تا ابزارهای پولی بتوانند مانند سایر کشورها کارایی کافی داشته باشند.

بطور کلی با توجه به نرخ بالای تورم در سالهای بعد از انقلاب، به نظر می‌رسد که ابزارهای پولی بانک مرکزی برای مقابله با تورم و ایجاد ثبات از کارایی لازم برخوردار نبوده است. البته می‌توان این مسئله را به صورت دیگری نیز مطرح کرد، که اگر اقدامات بانک مرکزی نبود مسلماً نرخ تورم بسیار بالاتر از میزان فعلی بود و چنانچه عوامل دیگر از جمله بحران‌های سیاسی، اقتصادی و مسایل بین‌المللی که تقریباً در بیشتر سالهای بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران حضور پُر رنگی داشتند وجود نداشتند، کارایی سیاستهای پولی مسلماً بیشتر بود و توانایی بیشتری برای ایجاد ثبات اقتصادی داشت.

عامل مهم دیگری که سالهای گذشته در عدم کارایی ابزارهای پولی بانک مرکزی در ایران نقش اساسی داشتند، عدم استقلال بانک مرکزی و نقش مدیریتی آن بوده است. عملاً در بیشتر

جدول شاخصهای مهم پولی و بانکی

۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۷	۱۳۷۶	۱۳۷۵	۱۳۷۴	۱۳۷۳	
۲۸۰۰	۲۴۵۷/۲	۲۵۰۰	۲۰۰۰	۳۷۵/۶	۱۰۰	۲۵۰	۱- اوراق مشارکت منتشر شده (میلیارد ریال)
۲۸۰۰	۲۴۵۷/۲	۳۰۰	۷۸۰	۳۷۵/۶	۸۸/۲	۲۵۰	۲- اوراق مشارکت خرید شده توسط مردم (میلیارد ریال)
-	-	۲۲۰۰	۱۲۲۰	-	۱۱/۸	-	۳- درصد اوراق مشارکت خریداری شده توسط بانکها (میلیارد ریال)
۱۹	۲۰ و ۱۹	۱۹	۲۰	۲۰ و ۲۴	۲۰	۲۰	۴- نرخ سود اوراق مشارکت (درصد)
۱/۸/۵	۱/۸/۵	۱/۸/۵	۱/۸/۵	۱/۸/۵	۱/۸/۵	۱/۶	۵- نرخ سود بانکی برای سپردههای بلند مدت (درصد)
۱/۳	۱/۳	۱/۵	-۱/۲	۱/۹۳	-۱/۴	-۱/۴	۶- درصد اوراق به نقدینگی
۹۱۷۶/۷	۵۲۴۳/۶	۳۱۷۰/۴	۲۰۱۷/۶	۴۲۸۱/۶	۱۸۸۰/۶	۷۹۳/۴	۷- معاملات اوراق سهام (میلیارد ریال)
۱۲/۶	۲۰/۱	۱/۸/۱	۱/۷/۳	۲۳/۲	۴۹/۴	۳۵/۲	۸- نرخ تورم (درصد)
۲۴۹۱۱/۷	۱۹۲۶۸/۹/۲	۱۶۰۴۰/۱/۵	۱۳۴۲۸/۳	۱۱۶۵۵/۲/۶	۸۵۰۷۳/۲	۶۱۸۴۳/۹	۹- حجم نقدینگی (میلیارد ریال)
۱/۱/۲	۱/۳/۷	-۱/۱۸	-۱/۵۸	-۱/۳	-۱/۱	-۱/۴	۱۰- درصد اوراق مشارکت معامله شده به حجم نقدینگی
۳/۶۸	۲/۷۲	۱/۹۷	۱/۵	۳/۷	۲/۲	۱/۲۸	۱۱- درصد اوراق سهام معامله شده به حجم نقدینگی

منبع: گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سالهای ۷۳ تا ۷۸ و نماگرهای

اقتصادی سه ماهه چهارم سال ۱۳۷۹

سالها به علت شرایط خاص، سیاستهای پولی بانک مرکزی تحت الشعاع سیاستهای مالی و دخالت‌های وسیع دولت و قوه مقننه در وظایف محوله به بانک مرکزی قرار می‌گرفت. تعیین سقف اعتبارات، تشکیل کمیته ارزی هیات دولت، وام‌های تکلیفی الزام به تأمین کسری بودجه توسط بانک مرکزی، عدم اجازه بانک مرکزی برای استقراض از داخل و خارج، محدود شدن نقش شورای پول و اعتبار و عدم هماهنگی سیاستهای پولی از جمله عواملی بودند که دست بانک مرکزی را در اعمال سیاستهای پولی با مشکل مواجه می‌کرد.

به نظر من هرچند می‌توان از طریق ایجاد نهادهای جدید یا ابزارهای جدید بر کارایی ابزارهای سیاست پولی افزود، ولی عمده‌ترین مسئله ضرورت اصلاحات ساختاری در نظام پولی و بانکی و افزایش استقلال بانک مرکزی برای اعمال سیاستهای پولی می‌باشد. در این راستا لازم است که تأکید بیشتری بر نقش اصلی بانک مرکزی یعنی «حفظ ارزش پول گردد».

خلاصه و نتیجه‌گیری

سیاست پولی نقش مهمی را در ایجاد ثبات اقتصادی و تسهیل شرایط رشد و توسعه به همراه دارد. بانک مرکزی در هر کشور با استفاده از ابزارهای پولی سعی در رسیدن به اهداف اقتصادی به ویژه حفظ ارزش پول از طریق تغییر در حجم پول و نرخ بهره می‌نماید.

در ایران که چهار دهه به طور رسمی از ایجاد بانک مرکزی می‌گذرد، عملکرد سیاستهای پولی به دلایل شرایط سیاسی - اقتصادی متلاطم از نظر ایجاد ثبات اقتصادی و افزایش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی همراه با موفقیت کامل نبوده است و حتی می‌توان گفت در برخی موارد با شکست همراه بوده است.

عدم وجود نهادهای لازم برای توسعه نظام مالی کشور از جمله بورس اوراق بهادار تا دهه ۱۳۴۰ و عدم توسعه آن تا دهه ۱۳۷۰ از جمله موانع در سر راه توسعه نظام مالی کشور بودند. مشخص نبودن برخی ضوابط قانونی از جمله حدود فعالیت بخشهای دولتی و خصوصی، بحرانهای ارزی کشور در سالهای ۷۱ تا ۷۷ را می‌توان از جمله دلایل عدم کارایی بانک مرکزی در ایفای وظایف خود از جمله ثبات اقتصاد کلان و محدودیت‌های شدید اعمال شده بر نظام بانکی دانست.

بانک مرکزی به علت عدم وجود انضباط مالی با کسری بودجه دولت و رشد پایه پولی با افزایش شدید حجم پول و نقدینگی مواجه گردید و علیرغم استفاده گسترده از همه ابزارهای پولی از جمله نرخ سپرده قانونی، جیره‌بندی اعتبارات، تعیین نرخ سود و کارمزد، فروش اوراق مشارکت، محدودیت معاملات ارزی، و سایر ابزارهای پولی با نرخ فزاینده تورم در سالهای ۷۴ و

۷۷ مواجه گردید.

کاهش مداوم و شدید ارزش برابری ریال در بازار و ثابت ماندن رسمی آن از سال ۷۲، عملاً منجر به ایجاد سیستم چند نرخ ارز و غیر واقعی بودن بسیاری از ارقام مالی در رابطه با طرحهای سرمایه‌گذاری گردید. فشار مقامات دولتی و غیردولتی برای استفاده از ارز رسمی منجر به افزایش واردات و عدم رونق فعالیتهای سرمایه‌گذاری در داخل کشور و انباشته شدن نقدینگی در فعالیتهای غیر تولیدی و رشد انتظارات تورمی در کشور و رونق فعالیتهای واسطه‌گری و احتکار گردید.

اکنون که تا اندازه‌ای ثبات اقتصادی برقرار گردیده است و انتظارات تورمی تا حدود زیادی جای خود را به اطمینان از ثبات اقتصادی داده است، ضروری است که بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران استفاده از ابزارهای پولی مستقیم را کاهش دهد و به سمت ابزارهای پولی غیر مستقیم روی آورد بازارهای پولی و مالی گسترش یابند و با توجه به جهانی شدن اقتصاد، رشد تجارت جهانی و امکان اتصال به بازارهای مالی و پولی جدید، ابزارهای جدیدی را به کار گیرد که از جمله می‌توان به بازار سلف ارز و معاملاتی آتی که می‌توانند نقش مهمی در ثبات ارزی داشته باشند اشاره کرد.

بر همین منوال نقش و دخالت مستقیم بانک مرکزی در فعالیتهای بانکی کاهش یابد و نقش نظارتی و سیاست‌گذاری آن افزایش یابد که همراه با آن ایجاد بانکهای تخصصی، فعالیت بانکهای خصوصی و مقررات‌زدایی از نظام بانکی از ضروریات افزایش کارایی ابزارهای پولی در زمینه ثبات اقتصادی است.

در اجرای نظام بانکداری اسلامی، فعالیت بانکها باید شفاف‌تر و دقیق‌تر و بطور مشخص صورت گیرد. نرخهای سود که همراه با ریسک صاحبان سپرده‌های سرمایه‌گذاری است باید متنوع و متغیر گردد و این امکان برای افراد با سلیقه‌های مختلف و با درجات ریسک متفاوت فراهم گردد که بتواند بر اساس سلیقه خود از انواع فعالیتهای سرمایه‌گذاری برخوردار گردند.

ایجاد مؤسسه‌ای برای بیمه سپرده‌های بانکی می‌تواند مسئولیت بانک مرکزی را به صورت مستقیم کاهش دهد و زمینه را برای فعالیت بیشتر بانکداری خصوصی فراهم نماید. البته ضروری است که بانک مرکزی بخش نظارت بر بانکها را قبلاً به علت دولتی بودن بانکها چندان فعال نبود مجدداً فعال نموده و مقررات و قوانین نظارتی را متناسب با شرایط روز به اجرا گذارد.

در پایان باید به این موضوع اشاره نمود که اگر وظیفه اصلی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران «حفظ ارزش پول» یا «ثبات کلان اقتصادی» است، نباید به نحوی در فعالیتهای آن دخالت کرد که نتواند وظیفه اصلی خود را به درستی انجام دهد یا انتظاراتی داشت که فراتر از امکان

انجام آن به تنهایی و بدون مشارکت سایر سازمانهای اقتصادی مثل وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان مدیریت و برنامه و وزارت بازرگانی است.

کوشش بانک مرکزی باید در این باشد که هر سازمان و دستگاهی صرفاً به فعالیت در حیطه وظایف محوله به خودش بپردازد و هرچند به دلیل ماهیت مسایل پولی و بانکی همه مردم، سازمانها و دستگاههای دولتی و غیر دولتی نسبت به آن حساس و علاقمند هستند ولی این حساسیت و علاقه نباید جای خود را به دخالتهای غیر کارشناسانه و اظهار نظرهای غیر علمی نسبت به مسایل پولی و بانکی بدهد.

در خاتمه باید متذکر شد که بانک مرکزی دارای ابزارهای پولی مناسب و کارآمدی برای اجرای سیاستهای پولی می باشد ولی توسعه نهادهای بازارهای مالی، ثبات اقتصاد کلان کشور و مقررات زدایی ابزارهای پولی بانک مرکزی را صیقل داده و بر کارایی آن می افزاید.

منابع و مأخذ

- ۱- اشرفزاد، اریک، مفاهیم، استراتژی‌ها و ابزار بانک مرکزی در اتحادیه پولی اروپا، گزیده شماره ۱۰، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، ۱۳۷۹
- ۲- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سالهای مختلف، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
- ۳- ضیایی، منوچهر، مجموعه قوانین پولی و بانکی و سایر قوانین مرتبط از سال ۱۲۸۵ تا ۱۳۷۰، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، ۱۳۷۲
- ۴- مجتهد، احمد، بررسی ابزارهای پولی بانک مرکزی، مجموعه سخنرانی ماهانه مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، ۱۳۷۹
- ۵- معدلت، کوروش، بررسی جایگاه و ساختار مطلوب بانک مرکزی، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، ۱۳۷۹
- ۶- موسایی، میثم، بررسی عملکرد بانکداری بدون ربا در ایران، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، ۱۳۷۹